روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲


# روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۱ تیر ۱۳۹۷ • ۲۸ شوال ۱۴۳۹ • ۱۲ جولای ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۱۹۲ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۴۳ • اذان صبح فردا ۴:۱۵ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com


میدون و سوفیا

## واردات وسایل کمک‌عاشقی

**پوریا عالمی :** ما دیشب منزل بابای سوفیا رفته بودیم، برای چی؟ خب معلوم است برای خواستگاری. بابای سوفیا سفره را انداخت و گفت: بیا میدون دوم... بیا یه چیزی بخور. الان دو، سه ساله تو نسبت به سوفیا حالت ازدواج داری و من موافقت نمی‌کنم... بیا پسرم... بیا یک چیزی بخور.ما هم جوگیر شدیم و نشستیم دوزانو سر سفره و کفگیر را برداشتیم و زدیم وسط عدس‌پلو و کفگیر را آوردیم بالا که بریزیم توی بشقاب که در همین لحظه عیسی کلانتری، رئیس حفاظت محیط زیست، از رادیو که روشن بود، گفت: «تنها امکان تولید غذای ۵۰ میلیون نفر را داریم... جمعیت به ۸۰ میلیون نفر رسیده، اما همچنان فشار می‌آوریم که غذای خود را به هر قیمتی در داخل کشور تولید کنیم».تا کلانتری این حرف را زد، بابای سوفیا بشقاب را از زیر دست من کشید و گفت: پاشو... پاشو... مملکت فقط ۵۰ میلیون نفر رو می‌تونه غذا بده. تو چطوری داری شکم‌چرانی می‌کنی؟ یابو. تا همین الان هم توی زندگی هرچی خوردی باید بروی پس بدهی. تقصیر مسئولان چیست که ۳۰ میلیون نفر اضافه داریم؟ اگر امثال تو به دنیا نیامده بودند، ما الان داشتیم راحت زندگی می‌کردیم. هم غذا به همه می‌رسید، هم آب. گفتم: خب غذا را داخل کشور تولید نکنند. چه اصراری است؟ ما که موبایل و عدس و غذای دام و واشر و دسته‌بیلمان با ارز دولتی و از خارج از کشور تأمین می‌شود. الکی هم هی می‌گوییم ما همه‌چی را خودمان تولید می‌کنیم. نهایتا دسته‌بیل می‌آید ما بیل را می‌کنیم سرش یا دسته کلنگ می‌آید، ما کلنگ را می‌گذاریم سرش یا شکر می‌آید، ما می‌ریزیم توی کیسه یا چای می‌آید، ما می‌ریزیم توی بسته‌بندی چای صددرصد ایرانی. ماشین هم می‌آید، ما اینجا فقط در کاپوتش را می‌بندیم و می‌گوییم تولید ملی. درواقع تنها چیزی که ما داریم صددرصد خودمان تولید می‌کنیم، تولیدات صداوسیماست که خود صداوسیما هم دارد با ارز دولتی چیزمیز وارد می‌کند. خب چه اصراری است؟ بگوییم تنها تولید ملی ما نفت است و این‌قدر زمین را بدوشیم تا تمام شود و خلاص. بابای سوفیا گفت: تو کلا آدم قدرنشناسی هستی میدون دوم و من مطمئنم هیچ‌وقت آدم نمی‌شوی. برو خواب سوفیا را ببین.گفتم: متأسفانه من خواب سوفیا را هم باید روی خوشخواب خارجی ببینم.که بابای سوفیا قندان را برداشت و پرت کرد سمت من و مکالمه‌مان دوباره نصفه ماند.

**جمع‌بندی**

سوفیا... الان همه‌چیز از خارج وارد می‌شود جز عشق‌وعاشقی. من می‌خواهم با ارز دولتی عشق‌وعاشقی و وسایل کمک‌عاشقی وارد کنم. موافقی؟

عاشق وارداتی تو؛ میدون دوم

کارتون خواب

جلال پیرمرزآباد

### به بهانه افزایش قیمت قبر در تهران

تحلیل

## مائده‌ها را ببینیم

آذر منصوری

دخترانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌رقصند و مخاطبان هم مختارند که این رقص را ببینند یا اینکه نبینند. اما مشکل از جایی شروع می‌شود که این رقص‌ها زیاد دیده می‌شود و به قولی به شاخ‌های اینستاگرام تبدیل می‌شوند.

موضوع رقص دختران البته اولین بار نیست که سوژه رسانه‌ها می‌شود. همین چند ماه پیش بود که رقص و گل‌افشانی دخترکان در یکی از فرهنگسراهای شهر تهران و در حضور شهردار سابق این شهر به موضوع داغ رسانه‌ها و به غائله‌ای برای حذف شهردار تهران تبدیل شد.

ظاهرا قرار است هر موضوعی که به نوعی به حوزه زنان در ایران برمی‌گردد، به اصلی‌ترین مسئله کشور تبدیل شود و سر از ترندهای شبکه‌های اجتماعی درآورد. حال می‌خواهد موضوع پوشش زنان باشد یا رقصیدن آنها در شبکه‌های اجتماعی و... متغیر اصلی همه این اتفاقات زنان ایران هستند. به‌راستی چرا چنین است؟

چرا واکنش‌ها تا این حد نسبت به مسائل زنان ایران جدی می‌شود؟

چرا موضوع اعتراف از مائده هژبری تا این حد واکنش‌برانگیز است؟

سال‌هاست فعالان زنان ایران در باره شکاف‌های جنسیتی در ایران به عنوان یکی از شکاف‌های قابل‌تعمیم به حوزه‌های دیگر هشدار داده‌اند. وجود این تبعیض‌ها علیه نیمی از جمعیت کشور در صورت بی‌توجهی آثار و پیامدهای منفی خود را بر نیمه دیگر هم به جای خواهد گذاشت و کم‌کم این آثار به عریان‌ترین شکل ممکن خود را بر جامعه ایران تحمیل خواهد کرد. ایران‌در رتبه بندی شکاف جنسیتی، در بین ۱۴۵کشور جهان در جمع ۱۰ کشور آخر دنیا قرار دارد. معنی این عدد این است که بیش از نیمی از جمعیت کشور از انواع تبعیض‌ها رنج می‌برند. وقتی در کنار این تبعیض‌ها محدودیت آنها را در انتخاب سبک زندگی حتی در مقایسه با نیمه دیگر نیز اضافه کنیم، طبیعی است باید منتظر حجمی از واکنش‌ها در برابر این رویکرد باشیم. مائده هژبری همان‌طور که از نامش پیداست، در خانواده‌ای مذهبی متولد شده و ۱۷ سال بیشتر ندارد و در ایران نیز بزرگ شده است.

او هنوز طبق قانون کودک محسوب می‌شود. هنوز به بلوغ کامل فکری نرسیده است. او باور و تمایلاتی دارد شاید یکی از تمایلات او میل به دیده‌شدن باشد؟ ما چه کرده‌ایم برای آنکه مائده‌هایمان بیشتر دیده شوند؟

وقتی در جزئی‌ترین مسئله مانند رفتن او به ورزشگاه‌ها سال‌ها مقاومت می‌شود؟ چه انتظاری از او داریم؟

چه برای مائده‌ها کاشتیم که امروز فصل برداشتمان باشد؟

طبیعی است عده‌ای در بیرون از مرزهای ایران و شاید هم داخل سال ها است به دنبال اثبات ناکارآمدی جمهوری اسلامی هستند، اما چرا برای اثبات این ناکارآمدی مطالبات زنان ایران را نشانه گرفته‌اند و غائله‌هایی مانند چهارشنبه‌های سفید را راه می‌اندازند و در پی هر اعتراضی به دنبال دوختن ردایی برای خود و بزرگ‌ترهایشان هستند؟

آنها تلاش می‌کنند صدای فعالان زن ایران که به روش‌های مسالمت‌آمیز به دنبال پیگیری مطالبات زنان هستند، به انزوا کشیده شود، تکلیف ما با آنها روشن است، اما احاله همه مسئله به خارج از مرزهای ایران و نگاه سلبی به این مطالبات نه‌تنها تلاش بیهوده‌ای است که فقط صورت‌مسئله را به ناشیانه‌ترین شکل ممکن پاک می‌کند، بلکه مقاومت در برابر انتخاب سبک زندگی به‌ویژه زنان و دختران امروز به پیدایش شکاف‌هایی می‌انجامد که به طور مستقیم منافع ملی کشور را نشانه گرفته است.

اگر مائده‌های امروز ایران را نشناسیم و پیرامون آنچه آنها می‌اندیشند و می‌خواهند و آنچه ما می‌خواهیم گفت‌وگو نکنیم و تنها نسخه تجویزی‌مان، پخش اعترافات تلویزیونی برای به‌اصطلاح تنبیه امثال او و آگاهی‌بخشی به نسل او و خانواده‌ها باشد، هم بر واقعیت‌ها سرپوش گذاشته‌ایم و هم آب به آسیاب جریان‌هایی ریخته‌ایم که به دنبال بهره‌برداری از مسائل زنان ایران برای دامن‌زدن به شکاف‌ها و در نهایت براندازی جمهوری اسلامی هستند.

باید گفت‌وگو کنیم و راهی جز گفت‌وگو و پذیرش واقعیت‌های جامعه برای پیچیدن نسخه‌های شفابخش نداریم.

تجربه دیگران

## روان خراب ترامپ

جفری سکز، استاد توسعه پایدار و مدیریت بهداشت دانشگاه کلمبیا و بندی لی، روان‌پزشک از دانشگاه ییل، در مقاله مشترکی در دیلی‌استار با عنوان «آسیب‌های روانی ترامپ شکلی بدتر از پیش به خود می‌گیرد»، وضعیت وخیم روان‌شناختی رئیس‌جمهور فعلی آمریکا را تحلیل کرده‌اند.

در ابتدای این مقاله آمده است: «ظاهرا هر روز که می‌گذرد، حملات سیاسی و شخصی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، علیه کشورهای دیگر و سران این کشورها، شهروندان فقیر و ضعیف و خانواده‌های مهاجر تشدید می‌شود. اخیرا ترامپ بانی جدایی فرزندان مهاجران از والدینشان شده است. اگرچه خشم عمومی ممکن است او را وادار به عقب‌نشینی کند، اما او به‌زودی جای دیگری را برای حملات خود پیدا خواهد کرد». نویسندگان در ادامه نظری متفاوت با اکثریت کارشناسان ابراز کرده‌اند که حملات ترامپ را ناشی از پایگاه سیاسی، جلوه‌گری برای دوربین‌ها یا جنگ روانی برای چانه‌زدن در مذاکرات آینده تفسیر می‌کنند. «ما و بسیاری از کارشناسان بهداشت روانی آمریکا اعتقاد داریم که ترامپ از چندین آسیب روانی رنج می‌برد که او را به یک خطر آنی و آشکار برای جهان بدل کرده است.

ترامپ نشانه‌هایی از دست‌کم سه ویژگی خطرناک را بروز می‌دهد: پارانویا، نبود همدلی و سادیسم. پارانویا نوعی بریدن از واقعیت است که در آن فرد تهدیدی را درک می‌کند که وجود ندارد. فرد پارانوئید ممکن است در جریان مبارزه با تهدیدات خیالی، خطراتی برای دیگران ایجاد کند. نبود همدلی ممکن است از دل‌مشغولی بیش از حد شخص به خود و نگاه ابزاری به دیگران ناشی شود. در این دیدگاه، آسیب‌رساندن به دیگران وقتی در خدمت اهداف خود شخص باشد، مایه تأسف نیست. سادیسم به معنی لذت‌بردن از ایجاد درد یا تحقیر برای دیگران، به‌ویژه افرادی که به‌عنوان تهدید برای شخص پنداشته شوند یا برای شخص یادآور نقاط ضعف خود او باشند.

ما معتقدیم که ترامپ دارای این صفات است. نتیجه‌گیری ما نه بر اساس معاینات مستقل روان‌پزشکی و بیشتر مبتنی‌بر مشاهده اعمال او، تاریخچه شناخته‌شده زندگی او و گزارش‌های افراد دیگر است و البته قبلا خواستار معاینه او شده‌ایم و باز هم خواهیم شد، اما برای آنکه دریابیم ترامپ درحال‌حاضر یک خطر برای جهان است و هر روز خطرناک‌تر می‌شود، نیازی به یک پروفایل کامل نداریم. تخصص روان‌شناسی به ما می‌گوید این ویژگی‌ها در افرادی که نسبت به دیگران قدرت بیشتری دارند، بدتر می‌شود».

در این مقاله با اشاره به چندین مورد، از جمله بیش از سه هزار ادعای دروغ ترامپ و گزارش‌های مربوط به گوش‌نسپردن ترامپ به مشاورانش آمده است: «اغراق‌های دیوانه‌وار ترامپ در هفته‌های اخیر تشدید علائم بیماری او را نشان می‌دهد؛ به‌عنوان‌مثال، ادعاهای مکرر او درباره نتایج مبهم دیدار او با کیم جونگ اون و پایان‌دادن به تهدید هسته‌ای رژیم کره‌شمالی یا دروغ‌های آشکار او درباره دموکرات‌ها و سیاست‌های منجر به جدایی اجباری از کودکان مهاجر از والدین خود در مرز مکزیک و... . از آنجایی که ترامپ درواقع توانایی تحمیل اراده خود به دیگران را ندارد، روش او عبارت است از چرخه بی‌پایانی از تهدیدات، ضدحمله‌ها و تشدید سطح درگیری... . پارانویای ترامپ به تنش‌های ژئوپلیتیک شدید تبدیل می‌شود. این به مشکلی بدل می‌شود برای متحدان سنتی آمریکا که عادت ندارند رهبر ایالات متحده نقص شدید روحی داشته باشد و مزیتی بشود برای دشمنان که از آن استفاده کنند».

نویسندگان در پایان چنین نتیجه گرفته‌اند: «تاریخ نشان داده است افراد مبتلا به اختلالات ذهنی که توانسته‌اند به قدرت برسند و خود را نجات‌دهنده جا بزنند، فقط به مجرمانی تبدیل می‌شوند که به جوامع و دیگران آسیب می‌رسانند. قدرت اراده و وعده‌های آنها در مورد عظمت ملی موجب می‌شود مردم به دنبالشان بیفتند؛ اما اگر بتوان از آسیب‌شناسی چنین قدرتی درسی گرفت، آن درس این است که در درازمدت نتایجی فاجعه‌بار برای همه خواهد داشت. البته ترس از فاجعه آینده نباید ما را فلج کند. رهبر یک کشور با علائم خطرناک پارانویا، نبود همدلی و سادیسم نباید در ریاست‌جمهوری باقی بماند تا ویرانی به بار آورد. هر اقدام مناسبی برای رفع خطر - صندوق رأی، تجدیدنظر یا درخواست اصلاحیه ۲۵ قانون اساسی ایالات متحده- کمکی به ماست تا ایمنی خود را بازیابیم».

آکادمی

## بهترین سرآشپز دنیا و نیاز به تغییر

وحید شامخی
مشاور مدیریت استراتژیک

براساس آخرین (ژوئن ۲۰۱۸) رده‌بندی رستوران‌های دنیا، بهترین رستوران دنیا رستورانی به نام آستریا فرانچسکانا در شهر مُدِنا ایتالیا است. این رستوران از نظر شاخص رده‌بندی میشِلین هم (رده‌بندی معتبر رستوران‌های دنیا) سه ستاره کامل (از سه ستاره) را دارد. در رده‌بندی میشلین اگر رستورانی سه ستاره داشته باشد، یعنی علاوه‌بر اینکه غذایش فوق‌العاده است، ارزش دارد که به خاطرش سفر ویژه‌ای داشته باشید و آنجا را ببینید! با توجه به قیمت ارز و وضعیت امروزمان، احتمالا بهتر است فعلا رفتن به آنجا را به زمان دیگری موکول کنیم، اما حداقل می‌توانیم به این موضوع فکر کنیم که چه چیزی باعث شده است این رستوران به چنین موقعیت ممتازی برسد؟

رستوران فرانچسکانا سال ۱۹۹۵ از سوی سرآشپزی به نام ماسیمو بُتورا تأسیس شد. بتوراَ کاراکتر جالبی دارد. از همان ابتدا هدفش این بود که غذاهای سنتی ایتالیایی را جذاب‌تر کند و این کار را هم در جایی می‌خواست انجام دهد که مرکز غذاهای سنتی ایتالیایی بود؛ جایی که همه از هر غذای سنتی طعمی خاص را انتظار دارند. مثل اینکه کسی بخواهد قورمه‌سبزی را متحول کرده و چیزی جذاب‌تر از قورمه‌سبزی اجدادی ما درست کند! بتورا ۲۰ سال تلاش کرد تا رستورانش را سه‌ستاره کند و از آن نیز عبور کرد تا امروز به ادعای برخی از خبرگان، بهترین رستوران دنیا شود.

اما به‌تازگی یکی از استادان هاروارد روی سازوکار این رستوران مطالعه‌ای انجام داده و نتیجه‌اش این است که می‌گوید بتورا دو نکته کلیدی را برای حفظ و بقای خلاقیت در رستورانش دنبال می‌کند که به چنین موفقیتی دست یافته است؛ دو نکته‌ای که برای شرکت‌ها، سازمان‌ها یا کسب‌وکارهای دیگر هم می‌تواند مفید باشد. یک اینکه تلاش می‌کند تا همیشه سیر تکامل و رشد رستوران را حفظ کند! منوی رستوران فرانچسکانا دائما در حال تغییر و به‌روزشدن است. ممکن است غذایی که ۱۰ سال قبل در آنجا خورده باشید را دیگر در منو پیدا نکنید و این خواسته خود بتورا است. هر غذایی تا کمال کیفیت خود می‌رود، اما دلیلی ندارد که همیشه باقی بماند. همیشه می‌توان غذاهای جذاب‌تر و جدیدتری خلق کرد. برای مثال، یکی از بشقاب‌های معروف این رستوران را در نظر بگیرید؛ بشقاب پنیر چندین‌ساله! این بشقاب ۲۰ سال قبل، سه پنیر با سنین مختلف داشت، اما امروز پنج پنیر با سنین مختلف دارد. یعنی چه؟ پنیر ۲۴ماهه داغ، پنیر ۳۰ماهه در سس گرم، پنیر ۳۶ماهه خنک، پنیر ۴۰ ماهه ترد و نهایتا پنیر ۵۰ماهه‌ای که شبیه یک‌جور فوم سبک است و همه در کنار هم قرار می‌گیرند! پنیرها در گذر زمان! اما نکته دوم اینکه، از نظر بتورا جدیدبودن نسبت به پیش‌بینی‌پذیربودن اولویت دارد و برایش پاداش در نظر می‌گیرد! برای مثال، بعضی اوقات از تیمش می‌خواهد براساس قطعه‌ای موسیقی، نقاشی یا چند بیت شعر، بشقاب غذای تازه‌ای طراحی کنند. او از پرسنلش این را می‌خواهد که بعضی اوقات غذاهای موجود را فراموش و به چیزهای کاملا جدید فکر کنند و این یکی از نکات کلیدی در افزایش رضایت شغلی است. تکراری‌شدن کارها، روزمرگی و یک‌نواختی، انگیزه ما را کم می‌کند و سطح انرژی‌مان را پایین می‌آورد. همین است که این خواسته بتورا از پرسنلش به‌طور پیوسته روح تازگی و خلاقیت را در میان‌شان تزریق می‌کند.

ما نیاز به تغییر، تکامل و تازگی داریم. برای بهترشدن، برای زنده‌ماندن. اصلا زندگی نیاز به تازگی و تحول دارد. بهترین‌ها هم برای بهترین‌ماندن نیاز به رشد پیوسته و خلاقیت دارند. اگر سال‌ها می‌گذرد و تغییر مثبت، تکامل و تازگی و پویایی در اطراف‌مان نمی‌یابیم، حتما وقتش است که کاری کنیم. اگر هست، اما کم هست، بیشتر چنین شرایطی را فراهم کنیم. حواسمان باشد آخرین‌باری که منوی رستوران‌مان را تغییر داده‌ایم کی بوده است؟ و آخرین‌باری که بشقاب غذای جدیدی را طراحی کرده‌ایم یا اجازه طراحی‌اش را داده‌ایم.

آغوشی که هر روز بزرگ‌تر می‌شود

هر روز ۶ کودک مبتلا به سرطان تحت حمایت محک قرار می‌گیرند

این آغوشی است که به پشتوانه شما سالانه برای حمایت از ۲۰۰۰ کودک جدید گشوده‌تر می‌شود.

بی‌شک بدون همراهی خیرخواهانه‌تان، ادامه این راه ممکن نخواهد بود.

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

حمایت از کودکان محک با دریافت قلک
۰۲۱-۲۳۵۴۰ قلک محک

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم. بازدید از محک: ۰۲۱-۲۳۵۰۱۲۱۰